

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده و تحلیلگر مسایل سیاسی افغانستان: نظر محمد مطمئن

۲۴ جنوری ۲۰۱۶

یادداشت های مهم پیرامون روند صلح

ملت افغانستان تشنه صلح اند؛ نزدیک از ۴۰ سال به اینسو در آتش جنگ و درگیری ها می سوزند و در بسیاری موارد آسیب های جنگ بیشتر متوجه ملت بوده است؛ جنگ ده ساله با روس ها و به تعقیب آن سال ها جنگ با حکومت داکتر نجیب الله و سپس جنگ های ذات البینی مجاهدین که شهر کابل هنوز نشانه هائی از جنایات جنگی شان را نمودار است، و به دنبال آن ادامه جنگ ها بین طالبان و مجاهدین منحرف شده و اینک از ۱۵ سال به اینسو با امریکا و ناتو جنگ ملت افغان، همه چیزی است که ملت افغان بهای آن را می پردازند.

در حال حاضر ملت افغان از شکل گیری روند صلح بین دولت و مخالفان مسلح درگیر جنگ مأیوس به نظر می رسند و با گذشت زمان به میزان این مأیوسیت افزوده می شود؛ بر میزان این مأیوسیت زمانی افزوده شد که حکومت افغانستان در تناسب به اولویت صلح به اولویت جنگ تن در داد.

ملت افغان با فشار ذهنی مواجه است، آرامشش را از دست داده و تنها ندهای ادامه جنگ و محو همدیگر با استفاده از قوه زور را می شنوند؛ از همین رو، که در سال در حدود ۱۶۰۰۰ جوان افغان مأیوس به سبب وجود شدت ناامیدی از کشور فرار و رهسپار اروپا و کشورهای دیگر شدند.

اگر تا پایان سال ۲۰۱۶م. روند صلح به واقعیت نپیوندد، ممکن جنگ جاری کنونی افغانستان ۹ سال دیگر نیز ادامه یابد و بعد از سال ۲۰۱۶ استقرار صلح ممکن نخواهد بود، شرایط داخلی، منطقه ئی و بین المللی پیرامون صلح و جنگ در افغانستان در حال تغییر است و باز هم تمام منطقه در آشوب آن گیر خواهد ماند طوری که ما در سال های ۱۹۹۰ شاهد چنین شرایطی بودیم.

در حال حاضر، طالبان باز هم به عنوان قدرت نظامی در افغانستان مطرح بوده و در این کشور می تواند مانع افراطیت سایر گروه های مسلح گردد، تا کنون جنگجویان مربوط به کشورهای آسیای میانه و چین در شمال افغانستان هنوز هم طالب را به عنوان رهبر شناخته و طالب نیز در رابطه به افغانستان می تواند نقش حیاتی را ایفاء نماید. اگر تلاشی صورت می گیرد که عمداً از قدرت طالب کاسته شود، یا به منظور ایجاد انشعاب در بین آنها تلاش صورت می گیرد و گروه های مسلحی مانند داعش و دیگران از سوی حکومت افغانستان و جهانیان حمایت می شوند که در آینده مشکلی را خلق خواهد کرد که جنگ ادامه یابد و صلح منتفی گردد و مثل کنفرانس اول بن اشتهای جبران ناپذیری خواهد بود؛

افزون بر این طوری که گفته می شود که اشتباه سیاسی جبران ناپذیر است، لازم است که با در نظر داشت حالات و شرایط حساس کنونی حکومت افغانستان، همسایگان، مخالفان مسلح و جهانیان جهت استقرار صلح راستین بذل مساعی نمایند.

موانع در برابر صلح در افغانستان قرار زیر است که با شما آنها را شریک می سازم:

۱ - ابهامات باید رفع شود و هر گونه سیاستی پیرامون صلح به ملت افغانستان و جهانیان روشن گردد، به بهانه ها پرداخته نشود، زیر نام های تروریسم از دوام جنگ اجتناب شود.

۲- در بدل توسل به راهکارهای زورگویی و جنگ به راهکارهای صلح عملی توسل جسته شود و به خاطر صلح راستین سیاست روشنی در پیش گرفته شود؛ طالبان البته دارای پاره ئی از مجبوریت ها اند که نمی توانند پیرامون صلح و توقف راهکار روشنی اتخاذ نمایند، اما حکومت افغانستان در این مورد کدام مجبوریتی ندارد و می تواند موقف روشنی اتخاذ کرده و به جای جنگ هم می تواند موقف صریحی داشته باشد، اما همه اینها باید عملی باشد.

۳ - پیرامون صلح باید در داخل دولت افغانستان هماهنگی کاملی موجود باشد، تاکنون حتا در این مورد میان رئیس جمهور، رئیس اجرائیه و معاونان شان هماهنگی وجود ندارد.

۴ - هنوز هم حکومت افغانستان حالت اضطراری کنونی را احساس نکرده و در این راستا با آرامش خاطر کامل گام می بردارد، گویی که به منظور استقرار صلح سال های بیشتری پیش رو دارند؛ همان تجربه شورای عالی صلح که چندین سال قبل صورت گرفت در حالت تکرار است، حکومت فکر می کند که ده سال دیگر نیز برای صلح پیش رو دارد؛ اما در حال حاضر شرایط اضطراری است، و نیاز به اقدام فوری در این راستاست و هر گونه تعطیل، اشتباه بزرگی خواهد بود، هر دو طرف (حکومت افغان و طالبان) به منظور دستیابی به صلح وقت بیشتر ندارند؛ اگر در این زمان معین و محدود صلح محقق نشود، شرایط بیش از پیش بحرانی می شود. طالب تهدید یگانه برای حکومت افغان و جهانیان نبوده، شورای حراست و گروه کرزی و اکنون اپوزیسیون احدی صاحب همه بر دولت سبب فشار شده و حالات را بیش از پیش اضطراری می سازد.

۵ - حکومت افغانستان به گونه ای عمل می کند گویا که همه ملت با ایشان بوده و در برابر مخالفان مسلح می جنگند، در حالی که چنین نبوده هم اکنون نزدیک به ۷۰٪ قلمرو کشور زیر کنترل مخالفان مسلح قرار دارد و برخی ساحاتی وجود دارد که نه زیر تصرف دولت بوده و نه هم مخالفان مسلح، تنها ۲۰٪ خاک کشور زیر اداره دولت قرار دارد، با در نظر داشت این فورموله، باید پیرامون اقدام عملی نماید.

۶ - در ارتباط صلح از سوی حکومت تنها به تبلیغات اکتفاء شده، اما اراده و عزم ملموسی در این راستا به مشاهده نمی رسد. اکثر اوقات در این راستا پاکستان را متهم کرده و طالب تروریست خطاب می کند، خواسته های مردم در نظر گرفته نمی شود، به خاطر صلح به جای تبلیغات به کار عملی نیاز است.

۷ - شعار رئیس جمهور این بود که به صلح اولویت قابل است و آن را در عمل پیاده می کند؛ از همین رو بود که در شرایط بسیار دشوار اکثر افغان ها به وی رأی دادند، اما در عمل برای صلح هیچ کاری صورت نگرفت و باز هم در حد شعار باقی ماند.

۸ - با توجه به ایجاد روابط تنگاتنگ حکومت افغانستان با آسیای میانه و جهانیان، این پروسه بیش از پیش دشوار می گردد، نابود سازی جنگجویان چینی و مربوط به کشورهای آسیای میانه را در افغانستان نمی توان راهکار حل مشکلات دانست و این هم به حل مشکل کمکی نخواهد کرد که آنها زنده باز داشت و دست بسته به کشورهای آسیای میانه و کشور چین سپرده شوند، به جای جنگ باید راهکارهایی رویدست گرفته شود که آنها به رضایت خود یا به کشورهای خود

بروند و یا هم در جای دیگری برای شان زمینه اقامت تدارک دیده شود؛ اگر عزم نابود سازی آنها رویدست باشد این مسأله خود به ادامه جنگ کمک کرده و شماری از گروه های مخالف مسلح هم به خاطر حفاظت از آنها بر جنگ تمرکز می نمایند.

۹ - دولت افغانستان خواستار کمک نظامی و مالی از کشورهای آسیای میانه و برخی کشورهای دیگر است، تا جنگجویان مخالف آنها را در افغانستان بکوبد، اما به جای این، این بهتر خواهد بود که در میان نمایندگان کشورهای یادشده و جنگجویان مسلح شان در افغانستان زمینه مذاکره های صلح مهیا گردد، تا در زمینه استقرار صلح کمک صورت گیرد.

۱۰ - حکومت بیش از هرچه به دوستی با امریکا و ناتو تأکید دارد، به حضور و افزایش نیروهای خارجی در کشور تأکید دارد، عملیات های شبانه و وجود پایگاه های نظامی امریکائی خود نزد گروه های مخالف مسلح سبب تقویت اراده جنگی می شود، همچنان استقلال حکومت افغانستان صدمه می بیند و فاصله بین مردم و دولت زیاد می شود در این صورت نه حکومت افغانستان می تواند برنده جنگ باشد و نه هم می تواند تضمین بقای خود را ارایه نماید. بهتر است از هر عملی که مردم افغانستان از آن رضایت ندارند و پیشرفت در پروسه صلح را با کندی مواجه می سازد، اجتناب صورت گیرد.

۱۱ - در نزد سران دولت افغانستان این احساس موجود است که جامعه جهانی به ایشان پول می دهد، از ایشان کمک نظامی می کند و تلاش می شود تا حضور جامعه جهانی در بخش نظامی بیشتر گردد، اما این تلاش ها مانع در راستای تلاش های صلح می گردد، جامعه جهانی باید از دولت افغانستان فاصله بگیرند تا ما داخل میدان جنگ دیگری نشویم.

۱۲ - تبلیغات سوء علیه همدیگر باید از هر دو جناح پایان یابد، به جای تبلیغات منفی باید باورمندی به تبلیغات مثبت و اثرات مثبت آن وجود داشته باشد. به جای جنگ باید به مردم ذهنیت صلح داده شود، به همین گونه، رسانه ها نیز باید به مثبت گرایی در این راستا پردازند.

۱۳ - تعریف تلاش های صلح از سوی جناح درگیر به مردم افغانستان ارایه گردید؛ حکومت افغانستان خواستار صلحی است که شرایط آنها در آن محقق باشد و تا هنوز تعریفی را که آنها بیان می دارند، صلح نه بلکه مذاکره ها به خاطر تسلیم شدن جانب مقابل است؛ از سوی دیگر، طالبان هم پیرامون صلح تعریف ویژه خود را دارند و بر پایه آن می خواهند به مذاکره های صلح آماده شوند.

۱۴ - جهانیان مرتکب برخی اشتباهات شدند و هنوز هم به تکرار آنها می پردازند:

الف: جهانیان بسیار مغرورانه عمل کردند و تنها به این اصرار داشتند که طالب هر جایی که باشد باید نابود شود، به طالب نه در خانه خودش، نه در شهر و نه در منطقه مصونیت داده نشد، سراسر زیر فشار قرار گرفت و گفته می شد که باید کشته شود.

ب: اکنون جهانیان می گویند که با طالب باید مذاکره صورت گیرد و آنها تروریست نیستند و براین کار نیاز است که برای Constructive Dialogue زمینه سازی صورت گیرد، یعنی نه این که طالبان به رسمیت شناخته شوند، اما دروازه مذاکره ها باید گشوده باشد، نام های سران طالبان باید از لیست سیاه حذف شده و دفتر قطر به رسمیت شناخته شود.

ج: جامعه جهانی باید اشتباه کنفرانس اول بن را تکرار ننماید؛ که تنها به حمایت حکومت افغانستان می پردازد و به طالب وانمود می سازد که شخص سوم است؛ اگر طالب به جامعه جهانی احترامی را قایل است، جامعه جهانی هم باید به احترام متقابل قایل باشد اگر جهانیان که در رأس آن امریکا قرار دارد، به حمایت حکومت افغانستان می پردازد، و از

آن حمایت مالی و نظامی می کند، و در عین حال ادعای طرف سوم را دارد، شاید باز هم همان اشتباه اول بن تکرار شود، اکنون بسیاری از آنها اذعان دارند که چرا طالبان در این کنفرانس به صورت کلی نفی شدند.

۱۵ – به خاطر برداشتن قدم های عملی در راستای صلح نیاز است که جامعه جهانی با دولت افغانستان: الف: در تمام ساحات کمک هایش را مشروط ارایه کند.

ب: حمایت های سیاسی و نظامی خود را مشروط و محدود سازد و برایش بگوید اگر حکومت افغانستان تا پایان سال ۲۰۱۶ و اوایل ۲۰۱۷ نتواند به استقرار صلح دست یابد، کمک هایش را به حالت تعلیق خواهد آورد. اگر جامعه جهانی سبب فشار بر حکومت افغان نگردد و در ساحات مختلف کمک و حمایت هایش را مشروط نسازد، و فشار عملی خود را در این راستا به نمایش نگذارد، استقرار صلح ممکن نیست.

۱۶ – جامعه جهانی که امریکا در رأس آن قرار دارد تاکنون بر حکومت افغانستان باعث فشار نگردیده و تا هنوز از فشار سیاسی و دیپلماتیک خود استفاده نکرده است، ولی به عکس عمل می کند، گفته های حکومت افغانستان را می پذیرد و از آن در سطح ملی و منطقه ای و بین المللی حمایت سیاسی و نظامی می نماید.

۱۷ – در سطح منطقه ای هم بر طرف های درگیر فشار وارد گردد (حکومت افغانستان و مخالفان مسلح) باید زیر فشار قرار گیرند. چین، امریکا و ناتو باید از میزان فشار سیاسی شان در این زمینه استفاده نمایند.

۱۸ – پاکستان هنوز هم با هر دو جناح درگیر جنگ به بازی پرداخته، از جامعه جهانی زیر نام پیشبرد روند صلح پول به دست می آورد، از حالات و شرایط خراب جنگی و امنیتی استفاده کرده و از آن به نفع خود بهره برداری می کند، تا هر اندازه ای که این حالت دوام می یابد به نفع پاکستان است، اگر در افغانستان بی ثباتی و بدامنی دوام داشته باشد، پاکستان می تواند در این راستا از هر کس و طرفی، کرپدیت دریافت نماید.

با حکومت افغانستان، هر مرتبه پیرامون صلح، بهانه تراش کرده و خواستار وقت بیشتر می گردد.

پاکستان بر طالبان در این راستا به گونه ای فشار وارد می کند که به هیچ صورت نمی توان راه رسیدن به صلح باشد؛ مثلاً کمک های بشری را بر آنها می بندد، مجروحان شان از شفاخانه ها اخراج می کند که این مسایل سبب افزایش حساسیت های بیشتر می گردد.

پاکستان به جهانیان اعلام می دارد که بدون شرکت آنها استقرار صلح در افغانستان غیرممکن است، نیاز است که به پاکستان هم زمان محدود با شرایط تعیین گردد و به آن امتیاز غیرمحدود ارایه نشود.

۱۹ – باید در زمینه تطبیق توافقات کنفرانس های بین المللی تضمین هائی وجود داشته باشد.

۲۰ – باید در سطح ملی هم حکومت افغانستان و هم طالبان زیر فشار قرار گرفته شوند و این کار به وسیله گروه های بی طرف سیاسی، جوامع مدنی بی طرف و بالاخره مردم افغانستان صورت گرفته می تواند، در این زمینه کمک کنندگان جهانی هم مؤثر است در صورتی که بی طرفی را رعایت کنند.

مثلاً به خاطر قتل ۹ تن از برداران هزاره جلسه اعتراض آمیز صد هزار تن می تواند تدارک دیده شود، تبلیغات برای آن می شود و برنامه برایش داده می شود، چرا ممکن نیست که به خاطر زیر فشار قراردادن طرفین درگیر چنین همایش به راه نیفتد.

۲۱ – در زمینه صلح کمک های مالی جهانیان تنها منحصر به حکومت افغانستان بوده و این کمک ها تنها به آدرس خاصی صورت می گیرد که این خود بر روند صلح تأثیرات منفی می گذارد.